کیهان

درمکتب امام

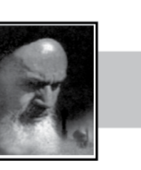

تا آمریکا هست؛ مصیبت هست

دنیا باید آمریکا را از بین ببرد، والّا تا اینها هستند، این مصیبت‌ها در دنیا هست. اینجا نشد، یک جای دیگر. الان در بسیاری از جاهای دنیا، آمریکا آتش افروخته و جنگ‌هایی که الان در بسیاری از جاهای دنیا هست، همه‌اش زیر سر این است. و دنیا را اینها دارند تهدید می کنند و هر گز هم اینها سلاح‌هایی که می گویند متوقف می کنیم و اینها را محدود می کنیم به حد، هر گز راست نمی گویند. بنابراین، ما باید هر چه فریاد داریم به سر اینها بزنیم.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۸۴ | جماران؛ ۱۳ آبان ۱۳۶۱

مقاله وارده

دفاع مقدس و نقش فرهنگ دینی در آن

دکتر مهدی جبرائیلی تبریزی

۱- جنگ‌ها معمولاً با مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و نظامی تحلیل می‌شوند؛ اما استمرار مقاومت یک جامعه در برابر جنگ، نیازمند نوعی پشتوانه فرهنگی و معنایی است. در دفاع مقدس، بسیاری از رزمندگان و خانواده‌های آنان، حضور در جبهه، تحمل سختی، مجروحیت و شهادت را صرفاً با محاسبات مادی توضیح نمی‌دادند. دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ در پی تجاوز نظامی رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. این جنگ، افزون بر ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، واجد ابعاد عمیق فرهنگی و اعتقادی بود. یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری الگوی مقاومت اجتماعی و استمرار دفاع در سال‌های جنگ، فرهنگ دینی و آموزه‌های اسلامی بود. میدان جنگ عرصه‌ای برای بروز باورهای دینی، سجایای اخلاقی و ظرفیت‌های فرهنگی ملت ایران بود. آنچه این دفاع را «مقدس» ساخت، فرهنگ قرآن و روحیه ولایت‌مداری رزمندگان بود که به این مقاومت هویتی دینی و معنوی بخشید.

۲- مفاهیمی همچون جهاد، شهادت، ایثار، توکل، صبر، تکلیف‌مداری، دفاع از مظلوم، ولایت‌پذیری، اخوت دینی و حفظ عزت اسلامی، در رفتار و انگیزه‌های بخش مهمی از رزمندگان و جامعه نقش داشتند. این فرهنگ، از یک‌سو جنگ را از سطح یک منازعه صرفاً سرزمینی فراتر برد و آن را در چارچوب دفاع از استقلال، کرامت و ارزش‌های دینی معنا کرد و از سوی دیگر، زمینه مشارکت گسترده اقشار مختلف جامعه در پشتیبانی از جبهه‌ها را فراهم ساخت. هنگامی که جنگ آغاز شد، بخشی از این مفاهیم از حوزه نظری و گفتمانی وارد عرصه عمل اجتماعی گردید. از این منظر، دفاع مقدس را می‌توان عرصه‌ای برای ظهور عینی بخشی از فرهنگ دینی جامعه ایران دانست. مسجد، هیئت، روحانیت، خانواده، مدرسه، بسیج، مراسم مذهبی، قرآن، دعا، زیارت و آیین‌های دینی، هر یک در ایجاد و استمرار این فرهنگ نقش داشتند.

فرهنگ دینی در دفاع مقدس در چند سطح به ایفای نقش پرداخت: ایجاد انگیزه و معنا، تقویت روحیه مقاومت، تولید سرمایه اجتماعی، تقویت همبستگی ملی و دینی و هویت جمعی، نهادینه‌کردن فرهنگ ایثار و شهادت، افزایش تاب‌آوری خانواده‌ها و جامعه، و ایجاد چارچوب اخلاقی برای رفتار در شرایط جنگ. مرگ، جراحت، اسارت، مهاجرت، تخریب منازل، دوری اعضای خانواده و فشار اقتصادی از جمله پیامدهای جنگ هستند. در این وضعیت، «معنا» اهمیت اساسی پیدا می‌کند. انسان هنگامی توان تحمل هزینه‌های سنگین را پیدا می‌کند که کنش خود را معنادار تصور کند. در تجربه دفاع مقدس، بخشی از این معنا از فرهنگ دینی سرچشمه می‌گرفت.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل‌عمران: ۲۰۰).

در این آیه، سه راهبرد بیان شده است:

اصبروا: پایداری فردی؛

صابروا: پایداری در برابر دشمن؛

رابطوا: آمادگی و مراقبت جمعی.

از این رو صبر در فرهنگ قرآنی صرفاً تحمل منفعلانه نیست؛ بلکه به معنای استقامت آگاهانه و راهبردی نیز هست. این معنا در شرایط جنگ اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا جامعه با فرسایش روانی و اجتماعی مواجه می‌شود.

و یا فرهنگ شهادت از منظر جامعه‌شناختی حداقل سه کارکرد داشت:

نخست: کاهش غلبه ترس از مرگ؛ باور به حیات اخروی، مرگ در راه ارزش‌های دینی را در یک چارچوب متفاوت معنا می‌کرد.

دوم: افزایش آمادگی برای فداکاری؛ فرد حاضر می‌شد منفعت شخصی را در برابر منفعت جمعی کنار بگذارد.

سوم: تولید حافظه جمعی؛ شهید پس از مرگ نیز به یک نماد فرهنگی تبدیل می‌شد.

در کنار این عوامل، دفاع از تمامیت ارضی، هویت ملی، ساختار نظامی، رهبری سیاسی و شرایط منطقه‌ای نیز در مقاومت جامعه ایران مؤثر بودند.

۳- ماهیت دینی دفاع مقدس؛ رهبران انقلاب اسلامی از همان ابتدا این جنگ را نه یک درگیری صرفاً، بلکه نبردی میان حق و باطل، ایمان و کفر تفسیر کردند. امام خمینی(ره) این جنگ را «جنگ اسلام علیه کفر» نامید و آن را به لحاظ نمادین با دین پیوند زد. این تفسیر دینی، دفاع را از یک اقدام نظامی صرف به یک تکلیف شرعی و الهی تبدیل کرد که مشارکت در آن، ادای وظیفه دینی تلقی می‌شد.

اگرچه انگیزه‌های دینی در تصمیم صدام برای آغاز جنگ نقشی نداشت، اما در طرف ایرانی، دین به طور معناداری مردم را به مشارکت در جنگ برانگیخت. رهبران ایرانی با بهره‌گیری از نمادها و باورهای دینی، جنگ را به مثابه نبردی میان مؤمنان و کافران ترسیم کردند و این راهبرد، به ابزاری مؤثر برای بسیج عمومی تبدیل شد.

۴- تجلیات فرهنگ دینی در دفاع مقدس؛ فضای جبهه‌های جنگ سرشار از دعا، نماز شب و اشتیاق لقاءالله بود. رزمندگان با وجود کمبود شدید امکانات مادی، به پشتوانه ایمان و توکل به خدا در برابر دشمنان مجهز ایستادند. این بُعد معنوی، نقطه تمایز دفاع مقدس از بسیاری از جنگ‌های دیگر در سایر کشورها بود. ورود بسیج به صحنه نیز جلوه‌ای از همین معنویت بود که توانست توازن نبرد را تغییر دهد و ایمان، ایثار و روحیه جهادی رزمندگان سبب شد تهدید مرگ کارایی خود را از دست بدهد.

شهادت‌طلبی به عنوان یک ارزش دینی والا، نقش محوری در دفاع مقدس داشت. داوطلبان بسیجی با الگوگیری از قیام عاشورا، مرگ در راه خدا را سعادت می‌دانستند و عملیات شهادت‌طلبانه به راهبردی مؤثر در جنگ تبدیل شد. این فرهنگ، برگرفته از اندیشه عاشورایی و در پیوندی استوار با حماسه حسینی(ع) بود. خانواده‌ها نیز با الهام از این فرهنگ، فرزندان خود را با رغبت و آگاهی به جبهه‌ها فرستادند و همه کشور به عمق دفاعی جبهه‌ها تبدیل شد. روحیه ولایت‌مداری و اطاعت از رهبری دینی، عامل مهمی در انسجام و هدایت دفاع مقدس بود. آنچه دفاع را مقدس ساخت، فرهنگ قرآن و ولایت‌مداری بود. این ویژگی سبب شد تصمیمات کلان جنگ، از جمله ادامه مقاومت یا پذیرش آتش‌بس، با محوریت رهبری دینی اتخاذ شود. حتی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در تیر ۱۳۶۷ که امام خمینی(ره) آن را «نوشیدن جام زهر» توصیف کرد، از موضع یک تصمیم دینی و مسئولانه در قبال مصلحت نظام اسلامی صورت گرفت.

دفاع مقدس توانست تقابل کاذب میان ملیت و دیانت را از میان بردارد. در میدان جنگ، وطن‌دوستی نه در حد شعار بلکه در عمل متجلی شد و شهادت به عنوان نماد پاسداری از خاک و ایمان تثبیت گشت. این تجربه موجب شد هویت ایرانی پس از انقلاب، با ترکیب ایرانیت، اسلامیت و روحیه انقلابی معنا یابد. بدین ترتیب، دفاع مقدس الگویی ارائه داد که نشان می‌دهد ملیت و دیانت می‌توانند در کنار هم، ریشه انسجام اجتماعی و سیاسی باشند.

۵- فرهنگ دینی در دفاع مقدس نه تنها در جبهه‌ها، بلکه در کل جامعه نقش بسیج‌کننده داشت. مساجد و هیئت‌های مذهبی به کانون‌های پشتیبانی از جبهه‌ها تبدیل شدند و شهر و روستا، حوزه و دانشگاه، همه در خدمت دفاع قرار گرفتند. پشتیبانی‌های مردمی و هدایای جمع‌آوری‌شده از سراسر کشور، نشان‌دهنده عمق نفوذ فرهنگ دینی در بدنه جامعه بود.

۶- دفاع مقدس با تکیه بر فرهنگ دینی، دستاوردهای متعددی به همراه داشت. یکی از مهم‌ترین آنها، اتحاد ملی بود. در شرایطی که اختلافات سیاسی در سطوح بالا وجود داشت، دفاع مقدس مردم را یکپارچه کرد و همه پشت سر دفاع قرار گرفتند. تقویت اقتدار نظامی نیز از دیگر دستاوردها بود؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در ابتدای جنگ نهادی نوپا بود، در جریان دفاع مقدس به یک نیروی منسجم و کارآمد تبدیل شد.

محبوبیت نیروهای مسلح و ایجاد احساس امنیت در جامعه از دیگر پیامدهای مثبت بود. دفاع مقدس به عنوان یک مدرسه بزرگ تربیتی عمل کرد که ارزش‌هایی مانند شهادت‌طلبی، ایثار و مقاومت در برابر ظلم را نهادینه ساخت و گفتمان مقاومت را در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد که تا امروز ادامه دارد.

۷- به دلالت مبانی فقهی و فرهنگ دینی و شیعی مبتنی بر قرآن و سیره، فقها و علمای شیعی مکلف هستند در برابر هرگونه تعرض و تصرف عدوانی بیگانگان قیام کنند و از استقلال و تمامیت ارضی و مال و جان و حیثیت آحاد جامعه اسلامی صیانت کنند. در دوره مشروطه مراجع برجسته شیعه پیشقراول و پیشران مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی بودند تا جغرافیای ایران به مستعمره کفار تبدیل نشود. در دفاع مقدس هشت ساله و نیز جنگ‌های یک سال اخیر همین عامل اساسی و تعیین‌کننده توانست دشمن را در رسیدن به اهداف تمدنی شیطانی ناکام بگذارد.

۸-از این رو می‌توان و باید اولاً در حکمرانی آموزشی و فرهنگی به تعمیق باورهای توحیدی و نهادینه سازی فرهنگ دینی و تبیین گزاره‌های فقهی که روحیه جهادی را در مردم و نسل آینده پرورش می‌دهد، اهتمام داشت و ثانیاً همین الگو را در حکمرانی اقتصادی و سیاسی در سطح سیاستگذاری و راهبردی، مبنای عمل قرار داد. چاره در دین است.

گزارش روز دویست و یازدهم جنگ

عقب‌نشینی ناوهای آمریکایی پس از حمله موشکی ایران

«اقتصاد جهانی به مرز بی‌پناهی رسیده است. شوک انرژی ایران تازه دارد چنگ و دندان نشان می‌دهد. از خلیج فارس تا شرق آسیا و اروپا، همه تاوان حماقت ترامپ را می‌دهند».

این تحلیل را روزنامه نیویورک تایمز در روزی منتشر کرد که طبق گزارش نشریه یو اس ای تودی، همه نظرسنجی‌ها در آمریکا از سقوط محبوبیت ترامپ و احتمال قریب به یقین شکست متحدان او در انتخابات کنگره حکایت می‌کند. همچنین فاکس نیوز اذعان کرد که اقتصاد آمریکا در دوره ترامپ دچار عقبگرد شده است.

بیهودگی مذاکره و توافق با ترامپ

بر خلاف همه این واقعیت‌های دردناک برای آمریکا، ترامپ دیروز ادعا کرد: من با توافقی که بر اساس آن ایران بتواند بلافاصله تجارت خود را از سر بگیرد، مخالفت می‌کنم؛ زیرا ایران متحمل خسارت‌های سنگینی شده است. ما به یک پیروزی بزرگ دست یافته‌ایم و کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار داریم. ایران خواهان توافق است و من هم به توافق‌ها علاقه دارم، اما این پیشنهاد قابل قبول نیست.

یادآور می‌شود آقای پزشکیان، رئیس‌جمهور دیروز ضمن مصاحبه‌هایی در نیویورک تأکید کرد: چرا و به چه منظوری با رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات کنم وقتی توافق را امضا کردیم و آنها آن را اجرا نکردند؟

ما با آمریکا گفت‌وگو می‌کردیم که آمدند و ترور کردند. باز هم هیچ بعید نیست دوباره گفت‌وگو کنیم و ترور کنند.

هیچ امنیتی و ضمانتی وجود ندارد که این‌ها دست از این ترورهایشان بردارند. ما که با هم گفت‌وگو می‌کردیم، الان هم گفت‌وگو کنیم، معلوم نیست دوباره بیایند ترور بکنند یا نکنند.

همه تاوان حماقت‌های ترامپ را می‌پردازیم

با وجود لفاظی‌های نخ‌نمای ترامپ، روزنامه نیویورک تایمز دیروز نوشت: اقتصاد به مرز بی‌پناهی رسیده است. شوک انرژی ایران تازه دارد دندان نشان می‌دهد. از خلیج فارس تا شرق آسیا و اروپا، همه تاوان حماقت ترامپ را می‌دهند. اقتصاد جهانی برخلاف انتظار اولیه از شوک عظیم انرژی پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در فوریه فرو نریخت، اما حاشیه امن آن در حال ناپدید شدن است. افزایش قیمت نفت، گسترش درگیری‌های خاورمیانه و کمبود سوخت تا اینجا بدون سقوط فراگیر مهار شده بود، اما تحولات اخیر نشان می‌دهد ظرفیت تاب‌آوری رو به پایان است. عربستان یک خط لوله حیاتی را پس از حملات تعطیل کرده، حوثی‌ها یک جزیره راهبردی در دریای سرخ و یک شهر بندری را تصرف کرده‌اند و مذاکرات میان کشورهای خلیج فارس نیز شکست خورده است.

نفت به نزدیکی ۱۱۰ دلار رسیده و خاموشی، سهمیه‌بندی و اعتراض از آسیا تا آمریکای لاتین گسترش یافته است. کاهش واردات نفت چین و برداشت آمریکا، ژاپن و اروپا از ذخایر، جهش شدیدتر قیمت‌ها را مهار کرده، اما ذخایر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اکنون به پایین‌ترین سطوح چند دهه اخیر رسیده است. اختلال در مسیرهای انتقال انرژی خاورمیانه و ازکارافتادن مسیرهای جایگزین مانند خط لوله شرق به غرب عربستان، چشم‌انداز تورمی را تیره‌تر کرده است. قیمت نفت ممکن است دست‌کم تا ۲۰۲۷ در محدوده ۸۰ تا ۱۰۰ دلار باقی بماند؛ سطحی که هزینه سوخت، کود، غذا و حمل‌ونقل را بالا می‌برد.

این فشار بانک‌های مرکزی را به افزایش نرخ بهره سوق می‌دهد. هم‌زمان، آژانس بین‌المللی انرژی هشدار داده شبکه پالایش جهانی تا مرز ظرفیت کشیده شده و حملات اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه می‌تواند طی ۱۸ ماه حدود ۳۰ درصد از ظرفیت پالایشی این کشور را کاهش دهد.

شکست سنگین دیگری در انتظار ترامپ و متحدان اوست

ران پاول، نماینده پیشین کنگره و نامزد سابق انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا با انتقاد از عملکرد شکست‌خورده و غیرقابل دفاع ترامپ گفت: او باید در مورد ایران، شکستش را می‌پذیرفت و از ادامه آن صرف‌نظر می‌کرد. تا الان... یعنی ۷ ماه بعد... همه‌چیز فراموش شده بود.

او همچنین گفته است: شما هزاران مایل سفر می‌کنید تا به ایران حمله کنید، در حالی که پیش‌تر گفته می‌شد آمریکا نباید وارد جنگ‌های دوردست شود. بسیاری از آمریکایی‌ها به نسخه‌ای از ترامپ رأی دادند که وعده می‌داد «قرار نیست ۹۵۰۰ مایل آن‌طرف‌تر وارد جنگ شویم و می‌خواهیم آرامش برقرار شود.» اگر همین نگاه درباره بحران‌های جهانی از اوکراین تا ایران ادامه پیدا می‌کرد، همان رویکردی بود که بخش بزرگی از رأی‌دهندگان آمریکایی خواهان آن بودند. هر مخالفتی با جنگ، به‌سرعت با برچسب «ترسو بودن» یا «ضد آزادی بودن» مواجه می‌شود.

همچنین توماس مسی، نماینده کنگره از حزب جمهوری‌خواه، در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان اظهار کرد: دونالد ترامپ و حزب جمهوری‌خواه باید در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر منتظر یک «شکست سنگین» باشند. نامزدهای جمهوری‌خواه برای پیروزی در انتخابات مقدماتی ناچار بودند به ترامپ نزدیک شوند، اما اکنون به دلیل تبعات جنگ با ایران تلاش می‌کنند از او فاصله بگیرند تا رأی‌دهندگان عمومی را جذب کنند.

شبکه فاکس نیوز از رسانه‌های حامی ترامپ با طرح این سؤال که «آیا اقتصاد آمریکا در حال شکوفایی است؟»، گفت: تولید ناخالص داخلی در سه‌ماهه دوم ۱.۵ درصد بود. تورم ۳.۴ درصد است. وقتی ترامپ روی کار آمد ۲.۹ درصد بود. در ۶ ماه از ۱۸ ماهی که ترامپ در سمت بوده، آمار خالص اشتغال منفی بوده است. گازوئیل در بالاترین سطح تاریخ بیش از ۶.۵۰ دلار است. بنزین بیش از ۴.۵۰ دلار است. نرخ وام مسکن ۷ درصد است. بدهی آمریکا به‌لطف ترامپ به ۴۰ تریلیون دلار رسیده است.

۶۲ درصد مردم آمریکایی ترامپ را محبوب نمی‌دانند

از سوی دیگر، روزنامه یو اس ای تودی در جمع‌بندی از نظرسنجی‌ها نوشت: نظرسنجی‌های هفته گذشته نشان دادند که محبوبیت ترامپ در حال رسیدن به پایین‌ترین سطح است.

این روزنامه می‌نویسد: مجموعه‌ای از نظرسنجی‌های جدید درباره محبوبیت دونالد ترامپ، حاوی خبر بدی برای جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ کنگره است؛ انتخاباتی که بسیاری از رأی‌دهندگان آن را همه‌پرسی درباره عملکرد رئیس‌جمهوری آمریکا قلمداد می‌کنند. میانگین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که میزان محبوبیت ترامپ ۳۴.۷ درصد است و ۶۲ درصد از بزرگسالان آمریکایی، ترامپ را رئیس‌جمهوری محبوب نمی‌دانند.

نظرسنجی وب‌سایت فیفتی پلاس وان، که نتایج نظرسنجی‌ها و انتخابات‌ها را رهگیری می‌کند، نشان می‌دهد که محبوبیت ترامپ از ۵۲ درصد در یک ماه گذشته پس از ورودش به کاخ سفید برای دوره دوم ریاست‌جمهوری، به ۳۴ درصد کاهش یافته است. برآورد فیفتی پلاس وان نشان می‌دهد که دموکرات‌ها ۲۵ کرسی را در مجلس نمایندگان و چهار یا پنج کرسی را در سنا به‌دست خواهند آورد که در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر (آبان) برای دستیابی به اکثریت در هر نهاد کنگره کافی است.

۵ درصد کاهش محبوبیت فقط در یک هفته

الیوت موریس، رئیس تیم تحقیقات این وب‌سایت به یو اس ای تودی گفت: بسیار بسیار بعید است که جمهوری‌خواهان بتوانند اکثریت خود را حفظ کنند. نظرسنجی رویترز و آیپسوس تا روز ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) نشان داد که ترامپ کمترین محبوبیت را در عملکرد سیاسی خود دارد. فقط ۳۲ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ را تأیید کردند که کاهش ۳ درصدی را نسبت به نظرسنجی قبلی نشان می‌دهد و رکورد جدیدی را در هر دو دوره ریاست‌جمهوری‌اش به ثبت رسانده است. نظرسنجی گروه تحقیقاتی آمریکن مستقر در نیوهمپشایر نیز نشان داد میزان محبوبیت ترامپ ۲۹ درصد است.

در نظرسنجی کالج امرسون که در ۲۴ سپتامبر (۲ مهر) انجام شد ترامپ تنها توانست ۳۹ درصد محبوبیت کسب کند و تقریباً ۵۸ درصد از شرکت‌کنندگان گفتند که عملکرد او را بدتر از دوره قبلی ریاست‌جمهوری‌اش ارزیابی می‌کنند. نظرسنجی اکونومیست و مؤسسه یوگاو در تاریخ ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) کاهش ۵ درصد محبوبیت ترامپ را فقط در عرض یک هفته نشان داد. این کاهش باعث شد که محبوبیت او فقط دو درصد نسبت به پایین‌ترین سطح از محبوبیتش که در نظرسنجی‌های این دو منبع ثبت شده است، افزایش نشان دهد.

نظرسنجی ان‌پی‌آر، شبکه پی‌بی‌اس نیوز و ماریست نشان داد که ۵۳ درصد از رأی‌دهندگان قویاً عملکرد ترامپ را قبول ندارند و محبوبیت ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور فقط ۳۹ درصد است. این نظرسنجی نشان داد که رأی‌دهندگان مستقل به نسبت ۵۷ در مقابل ۳۲ ترجیح می‌دهند به دموکرات‌ها رأی دهند.

همچنین طبق نظرسنجی ریل کلیر پالتیکس، میزان محبوبیت ترامپ فقط ۳۹ درصد و از نظر ۵۹.۵ درصد از رأی‌دهندگان وی محبوبیتی ندارد. نظرسنجی نیویورک تایمز نیز نشان داد که ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان عملکرد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهوری را قبول ندارند و تنها ۳۷ درصد عملکرد او را تأیید کردند.

عقب‌نشینی ناوهای آمریکایی از ترس دسترسی موشکی ایران

مولو مانیتور در تحلیلی نوشت: خط محاصره دریایی آمریکا شکسته شده و آمریکا برای خارج‌شدن از تیررس موشک‌های ضدکشتی ایران، ناوهای خود را از محدوده قبلی عقب‌تر برده است. این اقدام از ۲۶ روز پیش و در پی آزمایش موشک «قاسم بصیر» ایران آغاز شده که نشان داد کل دریای عرب را در برد خود دارد.

وبگاه امنیتی دیفنس سکیوریتی آسیا هم گزارش داد: ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی آمریکا پس از حمله موشکی ایران در ۵ سپتامبر، ظاهراً مواضع قبلی خود در نزدیکی دریای عمان را ترک کرده و به مناطق دورتر در دریای عرب منتقل شده‌اند؛ تغییری که می‌تواند نشان‌دهنده نگرانی واشنگتن از آسیب‌پذیری ناوهای خود در برابر توان موشکی ایران باشد.

بر اساس تصاویر ماهواره‌ای «سنتینل-۲»، ناوهای «جورج واشنگتن»، «جورج اچ. دبلیو. بوش» و «باکسر» و ناوشکن‌های همراه آنها دیگر در منطقه‌ای که پیش‌تر به‌عنوان خط محاصره دریایی آمریکا شناسایی شده بود، مشاهده نشده‌اند.

تغییر راهبرد ایران از پاسخ متقابل به ضربه پیش‌دستانه

روزنامه کریستین ساینس مانیتور با اذعان به تغییر راهبرد نظامی ایران نوشت: تصاویر منتشرشده، راهرویی در یک پایگاه زیرزمینی ایران را نشان می‌دهد که میزهای آن با بقایای پهپادهای سرنگون‌شده ارتش آمریکا پوشیده شده است. این مجموعه مهم‌ترین گنجینه پهپادهای شکارشده از نیروهای آمریکایی در جنگ محسوب می‌شود.

کارشناسان نظامی بر این باورند که تهران برای احیای بازدارندگی، رویکرد پیشین مبنی بر پاسخ متقابل را کنار گذاشته و راهبرد ضربه پیش‌دستانه را پیگیری می‌کند. انتشار تصاویر ادوات ساقط‌شده علاوه بر نمایش توانمندی در جنگ نامتقارن، هشداری صریح به واشنگتن و تل‌آویو درباره هرگونه تشدید تنش به شمار می‌رود.

فرماندهان نظامی در سایه نفوذ بر دو شاهراه حیاتی انرژی در خاورمیانه، به‌دنبال کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه و جلوگیری از حملات آتی هستند. اهداف اعلام‌شده شامل عقب راندن پایگاه‌های آمریکا، افزایش هزینه میزبانی برای کشورهای حوزه خلیج فارس، لغو تحریم‌ها، برچیدن محاصره دریایی و تثبیت اهرم‌های اقتصادی بر گلوگاه‌های انرژی جهان عنوان می‌شود.

ایران چگونه وضعیت جنگ را تغییر داد؟

نشریه فارن افرز هم درباره تغییر روند جنگ بر خلاف آرزوهای آمریکا گزارش داد: جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران تحول عمیقی در ماهیت جنگ‌های مدرن آشکار کرده است؛ تحولی که محور آن ظهور «انبوهه دقیق» است؛ استفاده گسترده از تسلیحات نسبتاً ارزان‌قیمت و در عین حال دقیق. در روز ابتدایی جنگ حدود هزار هدف در ایران مورد حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفت.

در ۳۷ روز ادامه جنگ نیز حدود ۱۲ هزار هدف دیگر مورد حمله قرار گرفت. اما بیش از شش ماه بعد، حکومت ایران نه‌تنها همچنان پابرجاست، بلکه شاید از گذشته قدرتمندتر شده باشد.

چند عامل باعث شد ایران عملکردی فراتر از انتظار داشته باشد. نخست اینکه تهران سال‌ها برای این حملات آماده شده بود و بنابراین برای بازسازی ساختار حکومتی خود پس از کشته‌شدن رهبران ارشد آمادگی داشت. همچنین توانست با وجود محاصره دریایی آمریکا، کالاهای مورد نیاز خود را تا حدی وارد کند و مانع فروپاشی کامل اقتصاد شود.

جهان در حال آموختن از ایران است

فارن افرز می‌افزاید: جهان در حال آموختن از ایران است؛ همان‌طور که پیش از این از جنگ اوکراین آموخته بود. آینده جنگ، دست‌کم تا حدی، به «انبوه دقیق» تعلق دارد. این تسلیحات به ایران امکان داده‌اند به پایگاه‌های آمریکا و زیرساخت‌های منطقه‌ای آسیب وارد کند و هزینه بالایی را به تلاش‌ها برای دفاع از این تأسیسات تحمیل کند. این تغییر می‌تواند شیوه جنگیدن و موازنه نظامی را دگرگون کند.

ایران نشان داده که کشورهای ضعیف‌تر می‌توانند با تکیه بر تسلیحات ارزان و تولید انبوه، بخشی از برتری نظامی قدرت‌های بزرگ را خنثی کنند؛ به همین دلیل کشورهایی مانند کره شمالی، لهستان، عربستان، ژاپن و چند کشور اروپایی نیز به سمت پهپادهای تهاجمی ارزان و تولید انبوه آنها رفته‌اند. مقام‌های دفاعی آمریکا که به جنگیدن صرفاً با سامانه‌های پیشرفته عادت کرده‌اند، ممکن است در پذیرش این تغییر ضروری با مشکل مواجه شوند؛ به‌خصوص اگر بودجه دفاعی کاهش یابد. در چنین شرایطی، واشنگتن ممکن است بار دیگر به سمت قابلیت‌های قدیمی و آزموده‌شده برود، فارغ از محدودیت‌های آنها.

استقرار راهبردی ایران در تنگه راهبردی باب‌المندب

روزنامه صهیونیستی جروزالم پست از استقرار رادارهای ایرانی در ارتفاعات باب‌المندب و تثبیت نفوذ ایران در این منطقه خبر داد و نوشت: شبکۀ انتقال تجهیزات و تسلیحات ایرانی به یمن چطور عمل می‌کند؟ کمتر از ده روز پس از پیشروی سریع حوثی‌ها در ساحل غربی یمن، نشانه‌هایی از تلاش ایران برای گسترش نفوذ در این منطقه راهبردی مطرح شده است. حوثی‌ها با حرکت در امتداد ساحل، شهر مخا و مناطقی در مجاورت تنگه باب‌المندب را تصرف کردند؛ محدوده‌ای که اکنون می‌تواند به یکی از کانون‌های تازه فعالیت نظامی و لجستیکی این گروه تبدیل شود. منابع امنیتی و رسانه‌ای مدعی‌اند سامانه‌های راداری در ارتفاعات مشرف به ساحل غربی مستقر شده و نقاط جدیدی نیز در مناطق تازه‌تصرف‌شده ایجاد شده است؛ با این حال نوع سامانه‌های راداری مشخص نشده است.

همین منابع حضور کارشناسان ایرانی در بازدیدهای میدانی از باب‌المندب، بندر و فرودگاه مخا و ملاقات آنها با مهندسان نیروی موشکی حوثی‌ها را نیز مطرح کرده‌اند. هدف این اقدامات، در این روایت، تبدیل نوار ساحلی میان حدیده و باب‌المندب به خطی پیشرفته برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای و ایجاد ظرفیت‌های تازه در برابر کشتیرانی بین‌المللی است.

بخش دیگری از تحولات به انتقال تجهیزات و سلاح از مسیر دریا مربوط است. محموله‌هایی که از سواحل سومالی حرکت کرده‌اند، پس از رسیدن به ساحل غربی یمن تخلیه شده و حسن العطاس، رئیس سازمان شیلات دریای سرخ مستقر در حدیده، به‌عنوان یکی از افراد مسئول دریافت و انتقال آنها معرفی شده است. شبکه مرتبط با او ساختاری سازمان‌یافته و سلسله‌مراتبی توصیف شده که با ابراهیم حسن اسماعیل المدانی ارتباط دارد و شاهر القحوم، از چهره‌هایی که دوره آموزشی در ایران گذرانده، پوشش امنیتی آن را فراهم می‌کند.

دست مقاومت در باب‌المندب گشوده‌تر می‌شود

جروزالم پست همچنین خاطرنشان کرد: چنین مسیری در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که انتقال تجهیزات ایرانی به یمن با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو شده است؛ قطعات موشکی و پهپادی پیش‌تر از راه دریا وارد می‌شدند و تلاش برای بازگشایی یک مسیر هوایی به یمن در ماه ژوئیه با مخالفت عربستان مواجه شده بود. فعالیت تازه در ساحل غربی می‌تواند مسیر سومالی به یمن را به یکی از کانال‌های اصلی انتقال تجهیزات تبدیل کند.

حوثی‌ها هم‌زمان در حال ایجاد استحکامات برای جلوگیری از بازپس‌گیری مناطق تازه‌تصرف‌شده هستند. حفر خندق در ارتفاعات، افزایش فعالیت در امتداد ساحل و ایجاد مواضع جدید در نقاط مشرف به دریای سرخ بخشی از تلاش برای شکل‌دادن به واقعیتی تازه در این منطقه است. جزیره زُقَر در نزدیکی مجمع‌الجزایر حَنیش نیز شاهد تحرکات جدید معرفی شده است.

این اقدامات در شرایطی انجام می‌شود که حوثی‌ها پس از پیشروی سپتامبر حملات خود علیه عربستان را افزایش داده‌اند و هم‌زمان شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در عراق نیز خط لوله شرق-غرب عربستان را هدف قرار داده‌اند. مجموعه تحولات ساحل غربی، از استقرار ادعایی رادارها و بازدید کارشناسان ایرانی گرفته تا فعالیت شبکه‌های مبادلاتی و ایجاد مواضع جدید، بر تلاش برای تثبیت کنترل حوثی‌ها بر مناطق مشرف به باب‌المندب و افزایش توان آنها برای تأثیرگذاری بر دریای سرخ متمرکز شده است.

پیروزی خیره‌کننده یمن و درماندگی رژیم سعودی

لری جانسون، تحلیلگر سیاسی و افسر سابق سازمان سیا اذعان کرد: حوثی‌های یمن قادر هستند حدود ۸۵۰ هزار نیروی یمنی را بسیج کنند و این شدنی است. یمنی‌ها در موقعیتی هستند که می‌توانند عربستان سعودی را شکست دهند و حتی موجودیت عربستان سعودی را به سمت نابودی بکِشانند. ترک‌ها و پاکستانی‌ها حدس می‌زنم داشتن قوانین یه شرکت بیمه سلامت آمریکایی رو می‌خوندن، چون گفتن اوه اوه متأسفیم این قضیه از قبل موجود بوده و ربطی به بعد یا الان نداره.

حماقت ترامپ ممکن است ایران را به تولید سلاح هسته‌ای تشویق کند

دنی سیترینوویچ، افسر ارشد سابق امان (اطلاعات نظامی اسرائیل) در یادداشتی خاطرنشان کرد: دو جنگ با ایران، توانایی این کشور برای تولید سلاح هسته‌ای در کوتاه‌مدت را به‌طور قابل‌توجهی تضعیف کرده‌اند. اما ممکن است در عین حال، انگیزه تهران برای دستیابی به چنین سلاحی در بلندمدت را به‌شدت افزایش داده باشند.

به همین دلیل، پرسش اصلی دیگر صرفاً این نیست که آیا ایران غنی‌سازی را از سر می‌گیرد یا نه، بلکه این است که اگر چنین کند، قصد دارد به چه چیزی دست یابد. اگر تهران تصمیم بگیرد برنامه غنی‌سازی خود را بازسازی کند، ممکن است به این نتیجه برسد که بازگشت به وضعیت آستانه‌ای سابق دیگر از نظر راهبردی منطقی نیست و در عوض، هدف باید عبور از نقطه بی‌بازگشت به‌سوی غنی‌سازی ۹۰ درصدی باشد.

با وجود تمام توجهی که به زرادخانه موشکی ایران یا توانایی این کشور برای تهدید تنگه هرمز، موسوم به «سلاح هسته‌ای اقتصادی» آن، معطوف شده است، در نهایت تنها یک توانایی وجود دارد که می‌تواند محاسبات تهران درباره آسیب‌پذیری‌اش در برابر حملات آینده را به‌طور اساسی تغییر دهد: یک بازدارندگی هسته‌ای واقعی. رهبران ایران به کره شمالی نگاه می‌کنند و این درس را به‌روشنی درک می‌کنند.

ایران ناگزیر خواهد بود راهبرد هسته‌ای خود را دوباره ارزیابی کند. و اگر رهبری آن به این نتیجه برسد که سلاح هسته‌ای اکنون برای امنیت نظام ضروری است، در آن صورت، با وجود خساراتی که اسقاطیل و ایالات متحده وارد کرده‌اند، ایران ممکن است همچنان از نظر فنی و عملی مسیرهایی برای دنبال کردن این هدف در اختیار داشته باشد. این همان تناقض اصلی این جنگ‌ها را ایجاد می‌کند: کارزاری که با هدف دورتر کردن دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در آینده انجام شد، ممکن است هم‌زمان منطق راهبردی در تهران برای تلاش نهایی جهت دستیابی به چنین سلاحی را تقویت کرده باشد. اگر این بحث تاکنون در داخل رهبری ایران صورت نگرفته باشد، تقریباً به‌طور قطع در آینده انجام خواهد شد. بحث عمومی‌ای که از داخل خود ایران در حال شکل‌گیری است نیز به ما دلیلی می‌دهد که این مسئله را با دقت بسیار زیر نظر داشته باشیم.

به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید صورت گرفت

اهتزاز پرچم مقدس ایران در دانشگاه‌ها و یادبود شهدای جنگ رمضان

دانشجویان در آغاز سال تحصیلی، با اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی ایران و یادبود شهدای جنگ رمضان، پیام رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها را در قالب عمل در صحن دانشگاه‌ها متجلی کردند.

در شرایطی که دشمن آمریکایی و صهیونیستی در جنگ رمضان دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما را هدف قرار داد تا اراده علمی فرزندان ایران را از بین ببرد، آغاز سال تحصیلی تجلی مقاومت و مجاهدت علمی بود و انگیزه و توان مستحکم دانشجویان را در منازعه خیر و شر و جنگ حق و باطل نشان داد. امری که حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیامی به‌مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها یادآور شدند؛ «اینک که دروازۀ سال تحصیلی تازه‌ای بر روی خیل عظیم دانش‌آموزان و دانشجویان گشوده می‌شود و راه‌نَوَردان علم و حکمت با امید به توفیق الهی دوره‌ای جدید از کسب دانش و معرفت و مهارت را آغاز می‌کنند، شایسته است هم‌نوا با مادران و پدران داغدار، بار دیگر یاد دانش‌آموزان شهید شده در جنگ تحمیلی اخیر را گرامی بداریم. امسال روزهای خاطره‌ساز ابتدای سال تحصیلی، برای ما غمی از فراق فرزندان سفرکرده‌مان را تازه می‌سازد. در مدارس و دانشگاه‌ها جای خالی بعضی از دانشجویان و اساتید و معلّمین حس خواهد شد و این اندوه، ذهن ما را به‌سمت صحیح منازعۀ بین خیر و شر و جنگ بین حق و باطل راهنمایی خواهد کرد.»

دشمن با وجود ترور امام شهید و شماری از مردم در جنگ با اهداف خود در سرنگونی نظام اسلامی، تجزیه ایران و غارت نفت و منابع کشورمان نرسید و با اراده پولادین ملت بزرگ ایران مواجه شد. بر همین اساس، دانشجویان با درک این واقعیت، دانشگاه‌ها را به صحنه‌هایی برای نمایش اقتدار ملی تبدیل کردند.

انتقال نماز جماعت به محوطه دانشگاه، آغاز سال تحصیلی با تلاوت قرآن و اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی ایران و خونخواهی امام شهید در دانشگاه تهران، اهتزاز دوازده‌ساعته پرچم جمهوری اسلامی ایران و توزیع مچ‌بندهایی مزین به پرچم ایران در دانشگاه فردوسی مشهد و نصب نمادهای یادبود شهدای جنگ و مطالبه خون امام شهید و دانش‌آموزان میناب در دانشگاه شریف، نشانه‌هایی از لبیک دانشجویان به پیام رهبر معظم انقلاب بود. ایشان در بخش دیگری از پیام خود به‌مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها تأکید کردند: «مسئولیّت امروز دانش‌آموزان و دانشجویان، سعی در مجهّز شدن به علم و تقوا، امید و اخلاق، و دانایی و توانایی و زدودن پرده‌های جهل و تاریکی است تا آنگاه که با شکستن مرزهای دانش و فتح قلّه‌های پیشرفت‌سازِ آن، مأموریت تاریخی خود در جهت اعتلاء ایران اسلامی را به انجام برسانند... در این مدّت، درست فکر کردن و ابتکار ورزیدن را تمرین کنید و همواره پاسدار ریشه‌های هویّت ملّی و عزّت و استقلال فرهنگی خود و زبان مادری و پرچم مقدّس نظام اسلامی و سایر نمادهای آن باشید. به‌زودی نوبت آن می‌رسد که نقش مناسب خود را در جامعه بیابید که در آن‌موقع با انجام آن به بهترین شکل، خود و کشور خود را سربلند خواهید ساخت.»

بهتر نیست سازش کنیم تا فشارها تمام شود؟!

پیام تیرانداز/ مدیرعامل خبرگزاری فارس

اگر برای رهایی از فشار و رسیدن به آرامش، راه سازش در برابر ظالم را انتخاب کنیم، آیا فشارها واقعاً پایان می‌یابد؟ قرآن با هشدار درباره تکیه‌کردن به ظالمان، به این پرسش پاسخ می‌دهد.

یک نسخه این روزها ساده و حتی وسوسه‌کننده به نظر می‌رسد: شرایط سخت است، دشمن قدرتمند است، فشار اقتصادی وجود دارد و مردم هم تحت فشارند؛ پس چرا کوتاه نیاییم؟ چرا با او سازش نکنیم تا دست از سرمان بردارد؟

فرض کنیم همین نسخه را پذیرفتیم. سؤال بعدی چیست؟

چقدر باید کوتاه بیاییم تا ظالم راضی شود؟

قرآن دقیقاً درباره منطق «کوتاه بیا تا او هم کوتاه بیاید» تعبیری قابل تأمل دارد:

«وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»

آنان دوست دارند تو نرمش کنی تا آنان نیز نرمش کنند. (قلم: ۹)

پیشنهاد، ظاهراً منصفانه است: تو کمی کوتاه بیا، او هم کمی کوتاه می‌آید. اما قرآن این پیشنهاد را تأیید نمی‌کند. چرا؟

چون مسئله با «کمی کوتاه آمدن» تمام نمی‌شود. چقدر کوتاه بیاییم تا راضی شوند؟

اینجاست که آیه ۱۲۰ بقره معنای مهمی پیدا می‌کند:

«وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»

آنان از تو راضی نخواهند شد تا از آیین آنان پیروی کنی.

این آیه درباره گروه‌های مشخصی از یهود و نصارای مخاطب پیامبر سخن می‌گوید اما سازوکاری که آیه نشان می‌دهد برای بحث ما مهم است؛ وقتی هدف خود را «راضی‌کردن طرف مقابل» قرار دادی، معلوم نیست رضایت او کجا متوقف شود.

امروز یک مطالبه. فردا مطالبه بعدی. امروز می‌گویی این را بدهیم تا فشار تمام شود. اگر تمام نشد چه؟

آن یکی را هم بدهیم؟ و اگر باز تمام نشد؟ دقیقاً کجا قرار است بایستیم؟

مشکل اصلی منطق سازش همین‌جاست: نقطه پایان را شما تعیین نمی‌کنید؛ کسی تعیین می‌کند که رضایت او را شرط نجات خود قرار داده‌اید.

از سازش تا «رکون»

اینجاست که قرآن یک واژه مهم‌تر به کار می‌برد:

«وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا»

به کسانی که ظلم کرده‌اند «رکون» نکنید. (هود: ۱۱۳)

رکون، صرف یک عقب‌نشینی تاکتیکی نیست. در تفاسیر برای آن معانی‌ای مانند میل، اعتماد، اتکا و تکیه‌کردن به ظالم ذکر شده است. این یعنی خطر زمانی عمیق‌تر می‌شود که جامعه به این نتیجه برسد: راه نجات ما دست همان کسی است که به ما فشار می‌آورد.

تحریم می‌کند؛ برای برداشتن تحریم باید راضی‌اش کنیم. تهدید می‌کند؛ برای متوقف‌شدن تهدید باید راضی‌اش کنیم. فشار می‌آورد؛ پس شاید باید امتیاز بیشتری بدهیم.

اینجاست که ظالم فقط دشمن شما نیست؛ آرام‌آرام تبدیل به کسی شده که کلید نجات خود را در دست او تصور می‌کنید. این همان نقطه خطرناک «رکون» است. قرآن حتی عاقبت را هم گفته است آیه هود فقط نمی‌گوید چنین نکنید. ادامه می‌دهد:

«فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» که آتش شما را فرا گیرد. و سپس می‌فرماید:

«وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»

جز خدا برای شما یاورانی نیست؛ و سپس یاری نخواهید شد. پس در منطق قرآن، مسئله‌سازش با ظالم فقط از دست‌دادن یک امتیاز نیست؛ مسئله تغییر تکیه‌گاه است. به جای آنکه قدرت خودت را بسازی، به رضایت او امیدوار می‌شوی. به جای آنکه فشارش را بی‌اثر کنی، برای پایان فشار خواسته‌هایش را می‌پذیری.

و هرچه بیشتر کوتاه می‌آیی، بیشتر به تصمیم او وابسته می‌شوی. اینجاست که دو گزارش قبلی به این گزارش می‌رسد:

اگر پرسیدند «پس چه کنیم؟» پاسخ قرآن را دیدیم:

قدرت بساز، مقاومت کن و به نصرت خدا ایمان داشته باش.

و اگر گفتند: «چرا کوتاه نیاییم تا راحت شویم؟»

این بار قرآن یک سؤال سخت مقابل ما می‌گذارد: اگر نجات خود را به رضایت ظالم گره زدی، چه تضمینی داری که رضایت امروز او، فردا بیشتر از امروز نباشد؟ و هشدار قرآن از آن هم صریح‌تر است:

«وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...»

به ظالم تکیه نکنید.

سرلشکر عبداللهی:

سرباز جوان ایرانی، جان‌فدای ناموس و وطن شد

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: حضور مؤثر و مقتدرانه جوانان سرباز، موجب ارتقاء چشمگیر توان دفاعی، امنیتی و انتظامی کشور و افزایش عمق بازدارندگی ملی شده است.

سرلشکر خلبان علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در پیامی به مناسبت روز سرباز تاکید کرد: حضور مؤثر و مقتدرانه جوانان سرباز، موجب ارتقاء چشمگیر توان دفاعی، امنیتی و انتظامی کشور و افزایش عمق بازدارندگی ملی شده است.

متن پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

فرا رسیدن هفته دفاع مقدس، که تجلی‌گاه غیرت دینی، وفاداری ملی، و ایثار جاودانه مردان آهنین ایران اسلامی است، بر تمامی رزمندگان سلحشور، همرزمان وفادار، و به ویژه کارکنان وظیفه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که با حضور حماسی و تاریخ‌ساز خویش در عرصه‌های دفاع مقدس دوم و سوم، حماسه‌های ناب ایثار و شهادت را زنده نگه داشته‌اند، تبریک و تهنیت عرض می‌گردد. خدمت مقدس سربازی، همواره نماد عینی مشارکت آگاهانه و مؤمنانه جوانان غیرتمند این سرزمین در تأمین امنیت پایدار، حراست از عزت و استقلال ملی، پاسداری از تمامیت ارضی و صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است.

جوانان سرافراز ایران اسلامی، با احساس تکلیف ملی و شرعی خویش، در کنار سایر رزمندگان نیروهای مسلح و بسیج مردمی، از کیان نظام، جان، مال و ناموس ملت دفاع کردند و با نثار جان و سلامت خویش، امنیت و آرامش را برای ملت عزیز ایران به ارمغان آوردند.

اوج این فداکاری بی‌نظیر، در دفاع مقدس سوم متبلور گردید؛ جایی که سربازان عزیز، دوشادوش دیگر رزمندگان اسلام، با شجاعتی کم نظیر در میدان نبرد حاضر شدند و با تقدیم جان خود، از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و میهن عزیز دفاع کردند.

در شرایط حساس تاریخی و راهبردی کنونی، که استکبار آمریکایی صهیونی و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن، با توهمی واهی در پی تحقق اهداف شوم خویش در برابر جبهه حق هستند، حضور مؤثر و مقتدرانه جوانان سرباز، موجب ارتقاء چشمگیر توان دفاعی، امنیتی و انتظامی کشور و افزایش عمق بازدارندگی ملی گردیده است. درود خداوند و سپاس ملت ایران، بر این جوانان رشید و غیور باد. اینجانب با افتخار، پنجمین روز از هفته دفاع مقدس را که مزین به نام پرافتخار «سرباز» است، به تمامی کارکنان وظیفه، و نیز خانواده‌های معزز آنان و به ویژه خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان سرباز، صمیمانه تبریک گفته و از درگاه خداوند سبحان، توفیقات روزافزون، سلامت و سربلندی ایشان را مسئلت می‌نمایم.

امید است که جوانان عزیز ایران اسلامی، با نصب‌العین قرار دادن رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی)، تأسی به میراث فکری و راهگشای قائد شهید امت حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سیدعلی خامنه‌ای(قدس‌سره) و تلاش و کوشش مضاعف در کسب آمادگی‌های همه‌جانبه و مهارت‌های تخصصی، همواره در کسب آمادگی و مهارت‌های لازم در راستای دفاع همه‌جانبه از کشور و در تمامی عرصه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی موفق بوده و مدافع مسیر پیشرفت و قدرت افزایی ایران عزیز باشند.

مدیر اندیشکده کاتهون:

بستن هرمز کابوس ژئوپلیتیکی آمریکا بود

کارشناس روس با اشاره اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز تاکید کرد: ایران، روسیه و چین باید ساختاری متوازن در بریکس ایجاد کنند.

«لئونید ساوین»، سردبیر و مدیر مسئول اندیشکده کاتهون (Katehon) در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: پیش از هر چیز باید گفت که روسیه و ایران مدتی پیش یک توافق جدید و ویژه امضا کردند که همکاری‌های دو کشور را وارد سطح جدیدی کرد. در عرصه دیپلماتیک و بین‌المللی نیز روسیه در حوزه‌های مختلف از ایران حمایت می‌کند؛ از مخالفت با مداخله خارجی و تحریم‌های تحمیلی گرفته تا حمایت از برنامه هسته‌ای ایران. روسیه همچنین در روند ساخت نیروگاه بوشهر مشارکت دارد. وی افزود: همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی میان دو کشور بصورت عمومی و شفاف اعلام نمی‌شود. [illegible]

[illegible]

وی در پاسخ به این پرسش که «ارزیابی شما از واکنش و مقاومت ایران در برابر حملات آمریکا و اسرائیل چیست؟» گفت: واکنش ایران بسیار قابل تقدیر بود و افکار عمومی روسیه نیز از این واکنش، به‌ویژه از تصمیم‌گیری‌های ایران، استقبال کرد. این واکنش هم قدرتمند و هم در عین حال بسیار هوشمندانه بود. بستن تنگه هرمز یک کابوس ژئوپلیتیکی برای آمریکا و متحدانش در منطقه بود. آمریکا و اسرائیل نیز متوجه شدند که با چه وضعیت بسیار دشواری مواجه شده‌اند. با وجود تلفات و خساراتی که در نتیجه حملات غیرقانونی و جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل به ایران وارد شد، ایران و مردم این کشور همچنان ایستاده‌اند.